

جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی

دکتر محمدسعید ذکایی

محمدجواد اسماعیلی



وزارت فرهنگ و معارف اسلامی
معاونت برنامه‌ریزی و کتابخانه ملی

جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی

دکتر محمد سعید ذکایی و محمدجواد اسماعیلی

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

طرح جلد: زهرا صفوی

صفحه‌آرا: سمیه شاه‌علیزاده

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۳

چاپ دیجیتال: نسیم

تیراژ: ۲۰۰

قیمت: ۲۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۹۶-۲۸-۸

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مومن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

سایت: www.iscs.ac.ir

پست الکترونیکی: info@iscs.ac.ir

کلیه آثار منتشره این پژوهشکده در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظر شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تأیید پژوهشکده نیست.

سرشناسه: ذکایی، محمدسعید، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی / محمدسعید ذکایی، محمدجواد اسماعیلی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۴۶۴ص

شابک: ۹78-600-6996-28-8 ۲۱۵۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه ص. [۴۵۳] - ۴۶۳.

موضوع: دانشجویان — ایران — تهران — اوضاع اجتماعی

موضوع: از خود بیگانگی (روان‌شناسی اجتماعی)

موضوع: انزوای اجتماعی

موضوع: آموزش عالی — ایران — جنبه های اجتماعی

موضوع: فرار مغزها — ایران

شناسه افزوده: اسماعیلی، محمدجواد، ۱۳۵۵ -

شناسه افزوده: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۱۹۸/نف LB۲۳۳۹

رده بندی دیویی: ۳۷۸/۳۴۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۸۶۳۰۸

فهرست

هفت	دیباچه پژوهشکده
۱	فصل ۱: مقدمه
۱۱	فصل ۲: دیدگاه‌ها و مفاهیم
۲۳۱	فصل ۳: روش‌شناسی و روش تحقیق
۲۴۷	فصل ۴: یافته‌های تحقیق
۴۱۷	فصل ۵: بحث و نتیجه‌گیری
۴۳۱	فصل ۶: راهبردها و برنامه‌هایی برای کاهش بیگانگی-دانشگاهی
۴۵۳	منابع

دیباجه پژوهشکده

دانشگاه و آموزش عالی، افزون بر آنکه برای برآوردن کارکردهای دوگانه «تولید دانش» و «توسیع نیروی انسانی متخصص» سامان یافته است، هم‌زمان نهادی اجتماعی است که هم پوشش‌هایی درونی دارد و هم پیوندهایی با بیرون خود. بررسی‌های جامعه‌شناختی درباره دانشگاه و وجوه گوناگون آن، به طور عمده یا از چشم‌انداز کنشگران انجام می‌شود یا از چشم‌انداز ساختارها و روابط. اما نسبت این دو چشم‌انداز با یکدیگر و تأثیر و تأثر متقابل آنها، خود موضوعی است که هر تحلیل اجتماعی از شرایط دانشگاه نمی‌تواند بر آن چشم‌فرو بندد. از سویی ساخت اجتماعی دانشگاه به نوعی هویت کنشگران دانشگاهی را نیز برمی‌سازد، زیرا این کنشگران به سبب قرار داشتن درون ساختار روابط و شبکه مناسبات دانشگاه، کنش‌هایی از آنان سر می‌زند که چه بسا بیرون از آن ساخت دانشگاهی دلالت و معنای روشن و قابل فهمی ندارد. هر کنشگر دانشگاهی ایفاگر نقشی درون شبکه مناسبات دانشگاهی است. از سوی دیگر، بسیار پیش می‌آید که ساخت اجتماعی دانشگاه نیز خود در پی کنش‌های دلیل‌مند اما غیرقاعده‌مند کنشگران دچار دگرگونی می‌شود و حتی در برخی موارد ممکن است سازه‌های تازه‌ای در کنار یا درون سازه‌های پیشین سر برآورد. این دو وضعیت در کنار هم، بررسی پوشش‌های دانشگاه به عنوان نهادی اجتماعی را از دو چشم‌انداز کنشگر و ساختار ضروری می‌سازد.

«بیگانگی» مفهومی است که اغلب در ادبیات نظریه‌های اجتماعی انتقادی کاربرد دارد. مارکس نخستین جامعه‌شناسی است که مفهوم کمابیش انتزاعی بیگانگی را به عینیت‌هایی مادی همچون کار و فراورده آن نیز اطلاق کرد، هرچند که وی این مفهوم را درباره انسان‌های دیگر و نیز هستی نوعی خود انسان کارگر و تولیدگر نیز به کار برده بود. اما آیا می‌توان به پیروی از مارکس، مفهوم بیگانگی را درباره فرایند آموزش — به ویژه آموزش دانشگاهی — نیز به کار برد؟ اگر آموزش یا تحصیل را نوعی تولید بدانیم، آنگاه آیا این سخنی معنادار است که کنشگران دانشگاهی — به ویژه دانشجویان — از آموزش و تحصیل بیگانه می‌شوند؟ آیا بیگانگی از تحصیل می‌تواند بیگانگی از کنشگران دیگر و نیز بیگانگی از هستی نوعی خود دانشجویان را از پی آورد؟ اگر آری، این بیگانگی به چه معناست، حدود آن چیست و چه پیامدهایی برای کل ساخت اجتماعی دانشگاه و نیز پویش‌ها و پیوندهای آن با بیرون از خود دانشگاه دارد؟

بیگانگی در صورت‌بندی نظریه انتقادی، اغلب بار ارزشی منفی‌ای به همراه دارد. به سخن دیگر، بیگانگی وضعیتی است در دوران مدرن که در آن و طی آن ساختارهای کلان اجتماعی، شرایط کشمکوی خلاقانه و معنامند را از انسان‌ها می‌ستانند، و این البته وضعیتی نیست که دلخواه و راهبر به خوشبختی انسان به طور کل باشد. از این رو، نظریه‌های اجتماعی انتقادی، با توصیف چگونگی پدید آمدن بیگانگی در جوامع مدرن، هم‌هنگام برنامه‌ای را برای عمل در جهت کاستن از زرفا و گستره بیگانگی نیز پیش می‌نهند. این برنامه عمل گاه سیمایی انقلابی به خود می‌گیرد و گاه سیمای تلاش‌هایی اصلاح‌گرانه در پیکره ساخت اجتماعی واقعیت.

کتاب بیگانگی تحصیلی دانشجویان، از راه پژوهشی کیفی، در پی پاسخ دادن به پرسش‌های بالا و نیز پیش نهادن چشم‌اندازی برای کاستن از دامنه بیگانگی تحصیلی و پیامدهای آن است. این کتاب با این پیش‌فرض به نگارش درآمده است که بیگانگی پدیده‌ای است که اگر در دانشجویان یافت

شود، امری مطلوب نیست و چه بسا پیامدهای ناگواری به دنبال داشته باشد. از این رو، می‌توان به طور کلی این کتاب را پژوهشی انتقادی در شرایط اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های ایران به شمار آورد. اگرچه از چشم‌اندازهای دیگری درون سپهر مطالعات جامعه‌شناختی ممکن است پیش‌فرض‌های این نگاه انتقادی سخت به چالش گرفته شود، اما به هر حال در اینکه چشم‌انداز انتقادی به وضعیت اجتماعی آموزش عالی در ایران یکی از چشم‌اندازهای ممکن و البته چالش‌برانگیز در این حوزه است، تردیدی نیست.

در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی نیز این باور وجود دارد که امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آموزش عالی در ایران به ناچار نمی‌تواند از دستاوردهای چشم‌اندازهای گوناگون اجتماعی و بینش‌های برآمده از آنها — از جمله چشم‌انداز انتقادی — بی‌بهره باشد. اهمیت و ضرورت این امر به ویژه از آنجا دوچندان می‌شود که ساختار متمرکز آموزش عالی در ایران به سبب تسلط رویکردهای دولت‌مدارانه و سیاست‌های از بالا به پایین، تا کنون چندان که باید از بینش‌های رویکرد انتقادی بهره نبرده است. از این رو، شاید بتوان گفت که عمده سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان آموزش عالی در ایران بدون توجه کافی به پیامدهای بیگانگی‌زای فرایندهای ساختاری بر کنشگران دانشگاهی — به ویژه دانشجویان — پیش برده شده است. امید می‌رود انتشار این کتاب هم بتواند اندکی از کاستی‌های موجود را جبران کند و هم در برانگیختن توجه به پدیده بیگانگی تحصیلی سودمند افتد.